

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان با پلیس

(مورد مطالعه: شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰)

محسن نیازی^۱ - مهران سهراب‌زاده^۲ - الهام شفافئی مقدم^۳

چکیده:

امروزه امنیت در شهرها، مخصوصاً شهرهای بزرگ به یک مسأله مهم و پیچیده تبدیل شده است. با توجه به نقش اساسی پلیس به عنوان یکی از ارکان بسیار مهم برقراری نظم و امنیت در جامعه و نقش مشارکت‌های مردمی با پلیس برای رسیدن به این هدف، شناسایی زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری و گسترش مشارکت شهروندان با پلیس در جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است. در این مطالعه، رویکرد امنیت مبتنی بر جامعه‌محوری بر اساس کار پلیس با مشارکت جامعه مورد تأکید قرار گرفته است. بر این مبنا، هدف اساسی این مطالعه بررسی وضعیت اعتماد به پلیس، منزلت اجتماعی پلیس در جامعه و نگرش شهروندان به نقش پلیس در حفظ و تأمین امنیت در جامعه و رابطه‌ی هر یک از متغیرهای بالا با میزان مشارکت با پلیس در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه می‌باشد.

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. اعتبار و روایی مقیاس‌های تحقیق به ترتیب با ضریب آلفای ۰/۹۰۸، ۰/۸۷۲، ۰/۷۷۵ و ۰/۷۵ مورد تأیید قرار گرفته است. جامعه‌ی آماری تحقیق همه‌ی شهروندان شهر کاشان در سال ۹۰-۱۳۸۹ می‌باشد که با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۷۰۰ نفر به عنوان نمونه تعیین و به صورت تصادفی ساده انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در مجموع یافته‌های تحقیق و نتایج فعالیت‌های آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون رابطه‌ی معناداری بین هریک از متغیرهای مستقل با میزان مشارکت با پلیس در سطح اطمینان ۹۹ درصد را نشان می‌دهد. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه، اثرات هر یک از متغیرهای فوق بر میزان مشارکت با پلیس را به ترتیب به میزان ۳۸،۲۵ و ۲۴ درصد مورد تأیید قرار داده است.

واژگان کلیدی: پلیس، اعتماد به پلیس، منزلت اجتماعی، امنیت، مشارکت.

۱. استاد گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان niazim@kashanu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان Ms3102002@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان e.shafaii@grad.kashanu.ac.ir

مقدمه

امروزه پلیس به عنوان یکی از ارکان مهم جامعه و حکومت است که برقراری نظم و امنیت در جامعه را بر عهده دارد و برای ایفای نقش مهم و حساس خود به همکاری و مشارکت مردمی نیاز داشته و این امر بدون جلب اعتماد مردم تحقق نمی‌یابد. بدون وجود اعتماد مردم به پلیس جلب مشارکت و همکاری آن‌ها غیر ممکن است و در این شرایط، برقراری امنیت جز با زور و اجبار و آن هم برای مدتی کوتاه و گذرا امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین یکی از طرح‌های ایجاد محیطی امن و تأمین احساس امنیت مردم، جلب اعتماد شهروندان به پلیس، به عنوان یکی از کارگزاران مهم حکومتی است (شایگان، ۱۳۸۷: ۳۸). بر این مبنا، رصد کردن دائم وضعیت اعتماد مردم به پلیس به عنوان یکی از ابزارها و پشتوانه‌های موفقیت پلیس و نیز نگرش مردم نسبت به پلیس و نقش آن در حفظ امنیت جامعه از ضرورت‌های سازمانی است که پیوسته باید صورت پذیرد و مسئولان و برنامه‌ریزان سازمانی از نتایج آن در حفظ و افزایش اعتماد به پلیس بهره گیرند. از آنجا که اعتماد به سختی به دست می‌آید، اما به راحتی و با یک اتفاق از دست می‌رود و وقتی به بی‌اعتمادی تبدیل شد تغییر آن بسیار دشوار است (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۶۰)؛ بنابراین توجه دائمی به نگرش مردم موجب آگاهی بیشتر نسبت به عملکرد پلیس، پیشگیری از کاهش اعتماد مردم و در نهایت افزایش مشارکت آنان با پلیس می‌گردد.

از آنجا که نیروی انتظامی تلاش‌های گوناگونی برای رسیدن به ارتقای سطح امنیت اجتماعی به عمل آورده و طرح‌های گوناگونی را به اجرا می‌گذارد، پس ضروری است تا به وسیله‌ی ابزارهای علمی و مطالعات دقیق، مورد بررسی قرار گیرد.

از سوی دیگر، امروزه مسأله‌ی مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی شامل انواع کنش‌های فردی و جمعی برای تأثیرگذاری و تعیین سرنوشت خود و جامعه و فرایندهای تصمیم‌گیری درباره‌ی امور عمومی مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. در واقع، این مفهوم به عنوان مؤلفه‌ی کلیدی و رکن اساسی توسعه و موفقیت سازمانی در نظر گرفته شده است. بر این مبنا، نگرش‌های نوین توسعه با تأکید بر اهمیت نقش مردم در فرایند توسعه و به عنوان رویکرد توسعه‌ی درون‌زا، به مردم به عنوان عناصر فعال و

خلاق در روند توسعه نگریسته و اعتقاد به لزوم مشارکت فعال قشرهای وسیع جامعه در اهداف استراتژی‌های توسعه مورد تأکید قرار گرفته است.

فرایند فعالیت و مشارکت اجتماعی با کارکردهای تقویت روحیه‌ی همبستگی، تقویت روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری، شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت، کاهش تعارضات گروهی و افزایش ثبات اجتماعی همراه است. همچنان که مارکوس و والتون بیان داشته‌اند مشارکت در زندگی اجتماعی در سه سطح فردی، اجتماعی و سیاسی حائز اهمیت خاصی می‌باشد؛ در سطح فردی، پرورش شهروندان آگاه، توانمند و ژرف‌اندیش و در سطح دوم و سوم، به افزایش هنجارهای اعتماد اجتماعی و بهبود و اجرای سیاست‌های عمومی کمک می‌کند (مارکوس و والترن، ۲۰۰۲: ۵ و ۶).

موضوع امنیت و مشارکت با پلیس در جامعه شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امروزه، با افزایش جوامع شهری و در هم تنیده‌تر شدن آنها، شرایط تأمین نیازها و برطرف ساختن آن هم شکلی پیچیده‌تر یافته است. شناخت و کنترل امنیت در شهرها مستلزم نگاه دقیق و همه‌جانبه‌ای است تا از آن طریق بتوان ابعاد گوناگون امنیت را درک کرد و به کشف ارتباط‌های پنهان میان آن ابعاد در سطوح مختلف پرداخت (هدایت و عباسی، ۱۳۸۸: ۱۷۸). بدین ترتیب در فرایند برنامه‌ریزی شهری برای شهر سالم، از مهم‌ترین اهداف همانا کاهش جرایم و جنایت در محیط‌های شهری بویژه در حومه‌های شهری جدید است (گردا و کارولین^۱، ۱۹۹۸: ۱۷ به نقل از زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

فضاهای شهری به عنوان بسترهای زندگی و فعالیت شهروندان باید بتوانند با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی و اجتماعی و جنسی، محیطی امن و سالم، پایدار و جذاب را برای همه افراد فراهم سازند و نیازهای تمامی اقدار اجتماعی به شکلی مناسب برطرف سازند و پاسخگوی حداقل نیازها باشند (شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۰).

با توجه به موارد فوق، هدف اصلی این مقاله بررسی میزان مشارکت مردم با پلیس، اعتماد به پلیس، نگرش شهروندان به منزلت اجتماعی و نقش پلیس در حفظ امنیت در

جامعه و همچنین، چگونگی رابطه و پیوند هر یک از متغیرهای منزلت اجتماعی، نگرش نسبت به حفظ امنیت توسط پلیس و میزان اعتماد به پلیس با میزان مشارکت شهروندان با پلیس در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه می‌باشد.

مباحث نظری

در این بخش، ابتدا مفاهیم تأمین امنیت توسط پلیس، منزلت اجتماعی پلیس و اعتماد به پلیس به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق مورد بحث قرار گرفته است. پس از آن مفهوم مشارکت با پلیس به عنوان متغیر وابسته‌ی تحقیق ارائه و رویکردهای نظری مربوط به آن تشریح گردیده است.

الف) تأمین امنیت توسط پلیس

مهم‌ترین وظیفه‌ی نیروی انتظامی و حتی حکومت‌ها، تأمین امنیت اجتماعی است. در واقع، اصل وجود دولت‌ها و جوامع مبتنی بر نیاز مردم به برخورداری از امنیت بوده است و در صورت فقدان این امر، مردم نیازی به گرد هم جمع شدن و تشکیل جوامع و اعطای برخی از اختیارات نامحدود به دولت‌ها در مقابل برخوردار شدن از امنیت را نمی‌دیدند. بر این مبنای هر میزان پلیس در تولید امنیت و حفظ آن موفق عمل کند و اعتماد مردم را جلب کند، به مرزهای محبوبیت نزدیکتر می‌شود (عبدی، ۱۳۸۲: ۳۹). برای تحقق مطلوبیت در این امر دو شاخص عمده مورد توجه قرار گرفته است؛ شاخص اول میزان موفقیت پلیس در انجام مأموریت‌های مربوط به تولید امنیت، آرامش و آسایش در جامعه و دیگری اعتمادسازی در مردم است. بنابراین، پایبندی به قانون و تأمین امنیت جامعه توسط پلیس از عوامل مؤثر در جلب اعتماد اجتماعی می‌باشد. هرچه پلیس بیشتر و بهتر به وظایف خود عمل نموده و از مسائل حاشیه‌ای و غیر وظیفه‌ای دوری جوید، در جلب اعتماد مردم بیشتر موفق خواهد بود (عبدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۷۲). منابع تأمین‌کننده‌ی احساس امنیت برای گروه‌های مختلف جامعه متفاوت است. این منابع در سه سطح کلان، میانی و فردی اثرگذار می‌باشند. بر این مبنای نیروی انتظامی با توجه به نقش‌ها، وظایف و به طور کلی عملکردی که در سطح میانی ساختار کلی جامعه دارد، بر احساس امنیت شهروندان جامعه اثرگذار است (تاجران و کلاکی، ۱۳۸۸: ۵۶۵).

هس و میلر بر وجود سه دوره‌ی مشخص تاریخی عملکرد پلیس در تأمین امنیت تأکید داشته و معتقدند که در جریان شکل‌گیری نیروهای پلیس در جوامع مختلف سه تغییر عمده در عملکرد آنان روی داده است. این تغییر الگوها به عنوان دوره‌های خاص عملکرد پلیسی توصیف می‌شود. در هر سه دوره، پارادایم یا الگوی خاصی حاکم بوده است که شامل دوره‌ی سیاسی، دوره‌ی پیش‌رو و دوره‌ی جامعه‌گرا می‌باشد. دوره‌ی سیاسی تا ربع اول قرن بیستم ادامه یافت و زمانی بود که ادارات پلیس در حال شکل‌گیری بودند؛ پارادایم حاکم بر دوره سیاسی، اقتدارگرایی بود. پلیس در این دوره قوه‌ی سرکوبگر و قوه‌ی قاهره‌ای است که صرفاً عامل حفظ و حافظ منافع طبقه‌ی مسلط می‌باشد. این دوره‌ی پلیسی، دوره‌ی اقتدارگرایی و توانمندی پلیس در عرصه‌ی امنیت جوامع بوده است. در دوره‌ی پیش‌روی، در این دوره، رابطه‌ی پلیس با جامعه از لحاظ حرفه‌ای دور بوده و سازمان پلیس به یک سازمان تخصصی تبدیل شد که هدف اصلی آن مبارزه با جرم و تبهکاران بود و به شیوه‌های پلیسی به تعقیب و سرکوب بزهکاران و کسانی که امنیت عمومی را به خطر می‌انداختند، می‌پرداخت. پارادایم حاکم بر دوره‌ی پیش‌رو، حرفه‌ای بودن پلیس است و بنابراین عده‌ای این دوره را دوره‌ی پلیس حرفه‌ای نام نهاده‌اند. ویژگی اساسی این دوره این است که پلیس به کنترل جرائم می‌پردازد. دوره‌ی سوم به عصر مشارکت پلیس با جامعه مشهور است. در دهه‌ی ۱۹۸۰ بسیاری از ادارات پلیس شروع به تجربه کردن افزایش مشارکت جامعه در مبارزه با جرم و جنایت کردند. عصر مشارکت با نام‌های متعددی نامیده شده و رایج‌ترین اصطلاح در این دوره کار پلیس با مشارکت جامعه است.

پارادایم دوره‌ی سوم که با مفهوم مدرن امنیت سازگار می‌باشد، جامعه‌محوری است. فصل منطقی جامعه‌محوری، اعتماد متقابل پلیس و مردم و مشارکت توأم با همدلی و رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. در دیدگاه جامعه‌محوری، امنیت امری جدا از دیگر امور و عوامل اجتماعی نیست، بلکه در گرو سازگاری با فعالیت‌های نهادهای اجتماعی از جمله خانواده است که در این صورت این مفهوم با فضایل اخلاقی و سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت فعال مردمی همراه خواهد بود. هدف پلیس در این دوره بالا بردن

آرامش و رضایت شهروندان است و امنیت را با مشارکت نهادهای اجتماعی از جمله خانواده تأمین می‌کند. منظور از این مفهوم این نیست که پلیس با جرم مبارزه نکند، بلکه در این پارادایم برخورد شدیدتری نیز صورت می‌گیرد، ولی در بستری که با حمایت و مشارکت مردمی است. پلیس بخشی از جامعه و نه جدا از آن است و به گفته‌ی رابرت پیل «پلیس‌ها مردمند و مردم پلیس هستند» و مأموران پلیس حقوق‌بگیرانی هستند که تمام توجه خود را صرف خدمت به شهروندان می‌کنند (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۴۳-۴۷). بر این مبنا، در جامعه‌ی پیشرفته رفتار حرفه‌ای پلیس و در جامعه‌ی مترقی‌تر، فعالیت‌های اجتماعی پلیس نسبت به رفتارهای دیگر، در تعامل با مردم و شهروندان برجسته‌تر می‌باشد.

ب) منزلت اجتماعی پلیس

منزلت اجتماعی متغیری اثرگذار در نحوه‌ی انجام مأموریت‌ها و وظایف نیروی پلیس می‌باشد چرا که این نیرو مستقیماً با مردم در تماس بوده و فقط در صورتی می‌تواند از منزلت اجتماعی مناسبی برخوردار باشد که در انجام مأموریت‌های خود موفقیت مطلوبی کسب کند (علیزاده و رضایی، ۱۳۸۴: ۲۰).

آلن بیرو در تعریف منزلت اجتماعی می‌نویسد اعتبار اجتماعی (منزلت)، نفوذ و اعتباری است که دیگران به شخصی به دلیل خصایص گوناگون و کم و بیش واقعی که به او منتسب می‌دارند، می‌بخشند (بیرو، ۱۳۷۴: ۸). از دیدگاه جامعه‌شناسی این اصطلاح به عنوان رتبه، پایگاه، و موقعیت اجتماعی اشخاص، گروه‌ها و سازمان‌ها در مقایسه با یکدیگر به کار می‌رود (ملک، ۱۳۷۴: ۸). به نظر ملوین تأمین، منزلت اجتماعی قضاوتی است که به موجب آن جامعه حیثیت و محبوبیت بیشتری به فلان موقعیت یا به فلان پایگاه اجتماعی می‌دهد و به طور کلی آن‌ها را به هر دلیلی بر موقعیت‌ها و پایگاه‌های اجتماعی دیگر ترجیح می‌دهد (تامین، ۱۳۷۳: ۲۱).

بخشی از منزلت و اعتبار پلیس در ذهن مردم ناشی از اعمال و ظاهر پلیس می‌باشد. آنگونه که شیهان تأکید می‌کند تصویری که یک مأمور پلیس از خود نشان می‌دهد، بخش مهمی از قدرت و اقتدار آن افسر است (شیهان، ۱۹۹۴: ۱۹). بیالانت بیان می‌کند وضعیت

ظاهری می‌تواند در امور اجرای قانون همه چیز باشد؛ افسری که ظاهرش مثل یک رختخواب مرتب نشده است، هرگز تصویری از اطمینان و اقتدار را در ذهن کسی که اخیراً به خانه‌اش دستبرد زده شده یا وسیله‌ی نقلیه او را برده‌اند، به وجود نمی‌آورد (پیلانت، ۱۹۹۲: ۳۷).

ویژگی‌های ظاهری پلیس یکی از عوامل اساسی اثرگذار بر منزلت پلیس است. قدرت و اقتدار پلیس از جمله نمادهای شأن و منزلت پلیس است، زیرا از این نهاد انتظار می‌رود که با خشن‌ترین مسائل جامعه نظیر قاچاق، قتل، سرقت مسلحانه و... دست و پنجه نرم کند. اگر در مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی، به طور موفقیت‌آمیز عمل کند؛ آنگاه این قدرت و اقتدار پلیس، به مأمونی برای شهروندان در جهت حفظ نظم و امنیت جامعه تبدیل می‌شود و برآیند این پدیده، نگرش مثبت به پلیس و افزایش شأن و حیثیت اجتماعی پلیس خواهد بود. همان‌گونه که گرین و ماستروفسکی بیان داشته‌اند مسؤلیت کاربرد زور و خشونت به پلیس داده شده تا بتواند صلح و آرامش را در جامعه به ارمغان آورد (کلاکی و دوستدار، ۱۳۸۸: ۲۲۹)

میزان تهدیداتی که یک جامعه با آن روبروست با میزان منزلت نظامیان رابطه‌ی معناداری دارد. به عبارت دیگر، زمانی که افراد جامعه امنیت خویش را در خطر ببینند احساس می‌کنند نظامیان از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردارند، چون تنها آن‌ها هستند که خطرات را از میان بر می‌دارند. مینینگ و دیگران تأکید می‌کنند که عوامل سازمانی همانند عوامل اجتماعی و حتی بیش از آن بر منزلت اجتماعی نظامیان تأثیر می‌گذارد. علاوه بر آن، ویژگی‌های فردی نظامیان نیز تأثیر مهمی بر موقعیت و منزلت اجتماعی آنان دارند. افراد آموزش‌دیده، مقتدر، جذاب و باهوش بیش از سایر افراد قادرند احترام افراد جامعه را به خود جلب نمایند (حسینیان و فهیمی، ۱۳۸۸: ۱۵).

ج) اعتماد به پلیس

اعتماد، مهم‌ترین انگیزه‌ای است که افراد را به داشتن ارتباطات دوسویه یا چندسویه تشویق می‌کند. بسیاری از متفکران اجتماعی، اعتماد را حسی می‌دانند که به تعاون و همکاری منجر می‌شود و فقط در این حالت است که انسان در عین تفاوت‌ها، قادر به

حل مشکلات خواهد بود. اعتماد از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی و از مؤلفه‌های حیاتی سرمایه اجتماعی و مهم‌ترین جنبه‌ی روابط انسانی است که زمینه‌ی مشارکت، همکاری و اتحاد میان اعضای جامعه را فراهم می‌کند. با توجه به شرایط جامعه‌ی در حال گذار، توجه به اعتماد در سطوح سازمانی و ملی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (کامران و احمدیان، ۱۳۸۸: ۲۰). زتومکا سه مبنای وجهه یا اعتبار^۱، نحوه اجرا یا عملکرد^۲ و نمود یا طرز رفتار^۳ را برای اعتماد اولیه در نظر گرفته است. وجهه یا اعتبار به سادگی به معنای ثبت اعمال گذشته است. اعتماد، حاصل تجربه‌ی چندساله‌ای است که کسب کرده‌ایم. ممکن است ما دارای تجربه‌ی برخورد مستقیم با برخی افراد بوده و بر پایه‌ی آن تجربیات، به آنان اعتماد کرده باشیم یا اعتماد خود را از دست بدهیم. گاهی اطلاعات دست اول در مورد رفتارهای برخی افراد نسبت به افراد دیگر در اختیار داریم و بر پایه‌ی آنها می‌توانیم به آن افراد اعتماد کنیم. همچنین ممکن است اطلاعاتمان درباره‌ی افراد مورد اعتماد، دست دوم باشد، یعنی بر پای نقل قول‌ها، مدارک، ارزیابی‌ها یا معرفی‌نامه‌های دیگران باشد (زتومکا، ۱۳۸۴: ۸۲).

در مورد اعتماد به پلیس براساس نظر زتومکا ممکن است برخی به علت مراجعه‌ی مستقیم و تعامل با پلیس و کسب اطلاعات دست اول به آن اعتماد کنند یا اعتماد نداشته باشند، اما اکثر مردم وجهه و اعتبار پلیس را از طریق ارائه‌ی گزارش‌ها و اخبار و آمارهایی به دست می‌آورند که در این زمینه منتشر می‌شود و عملکرد پلیس را به اطلاع مردم می‌رساند؛ بنابراین اگر این اطلاعات به‌روز و متناسب با واقعیت و مثبت باشد، بر اعتماد به پلیس در جامعه تأثیرگذار است.

مبنای دیگر اعتماد، عملکرد است. عملکرد به معنای اعمال واقعی، یعنی رفتار کنونی است که در حال حاضر نتایجی را به بار آورده است. سومین شکل از نشانه‌هایی که برای برآورد قابلیت اعتماد دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرد، نمود و طرز رفتار است. برخی از افراد در ما اطمینان ایجاد می‌کنند، یا افراد دیگری مشکوک به نظر می‌رسند؛ این امر به ظاهر و قیافه‌ی فرد، نحوه‌ی سخن گفتن، لهجه، تمایل به لبخند زدن، مدل مو، لباس،

-
1. Reputation
 2. Performance
 3. Appearance

آرایش و مانند آنها بستگی دارد. به طور کلی، در میان ویژگی‌های ظاهری، سه ویژگی از نشانه‌های اصلی اعتماد تلقی می‌شوند و شاخص‌هایی هستند که زیربنای شخصیت، هویت و منزلت اجتماعی را می‌سازند. یکی از این ویژگی‌ها، نحوه پوشش افراد است. حالت خاصی از آن را می‌توان در قالب انی‌فرم (سربازان، کارکنان پلیس و پزشکانی که گوشی معاینه را به گردن خود می‌آویزند) مشاهده کرد و کسانی که این لباس‌های فرم را می‌پوشند، به عنوان افرادی قابل اعتماد شناخته می‌شوند. نشانه‌ی مهم دیگر تناسب ظاهری، سلامتی، تناسب اندام و پاکیزگی و آراستگی بدن است. ما مایل هستیم به افرادی که چنین وضعیتی را به نمایش می‌گذارند اعتماد کنیم. از نظر گافمن، متغیرهایی نظیر موقعیت، ظاهر شخص، رفتار و منش او و همچنین هر آنچه را که مربوط به ارتباط کلامی است، در اعتماد افراد مؤثر می‌باشد (نورپور، ۱۳۸۵: ۶۸). نوع سوم از نشانه‌ها شامل فرهنگ، تمدن، عادات خوب و خویشتن داری در رفتار است و کسانی که این خصوصیات را دارند، در امور مهم، قابل اعتماد به نظر می‌رسند.

برخورد و رفتار متناسب با شأن پلیس و مورد پذیرش فرهنگ جامعه، بخش دیگری از تأکیدات نیروی انتظامی است و آموزش‌های مداومی در این زمینه وجود دارد که نحوه تعامل اجتماعی متناسب با شخصیت طرف مقابل را به خوبی فرا می‌گیرد و در برخوردها به آن توجه می‌شود. علاوه بر آن، ابزارها و وسایلی که افراد استفاده می‌کنند، خودروی شخصی، منزل مسکونی و محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند، ممکن است شاخص‌هایی برای قابلیت اعتماد باشند. در این زمینه، تجهیزات پلیس و امکانات و خودروهایی که مورد استفاده قرار می‌گیرند، بر نگرش مردم نسبت به پلیس مؤثر است. به طور کلی از نظر زتومکا، وجهه و اعتبار بالای پلیس که بر اساس عملکرد گذشته او کسب می‌شود، اطلاع‌رسانی درست از فعالیت‌های پلیس و ارائه‌ی تصویری مثبت و فعال و موفق از آن در رسانه‌ها، نتیجه‌ی عملکرد پلیس که افزایش امنیت و نظم اجتماعی است و نیز نحوه و طرز رفتار مناسب و شایسته‌ی پلیس، اعم از ارتباط کلامی و غیرکلامی، لباس فرم، سلامت جسمی و ویژگی‌های ظاهری تحسین‌برانگیز (از عوامل مؤثر بر نگرش مثبت به پلیس، افزایش اعتماد به پلیس و ارتقای سطح مشارکت مردم با پلیس می‌باشد).

د) مشارکت با پلیس

امروزه به مشارکت به عنوان مؤلفه‌ی اصلی و تفکیک‌ناپذیر توسعه نگریسته و روز به روز بر اهمیت و ضرورت آن بیشتر تأکید می‌شود؛ به گونه‌ای که در گزارش توسعه‌ی انسانی^۱ برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل متحد^۲ (۱۹۹۳) عنوان شده است که موضوع مشارکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی به صورت مسأله‌ی اصلی زمان ما در می‌آید (آتال و اوین، ۱۳۷۹: ۲۷). بر این مبنای، در اهداف استراتژی‌های توسعه، اعتقاد به لزوم مشارکت فعال قشرهای وسیع جامعه در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است (عظیمی آرانی، ۱۳۷۳: ۵۲).

از دیدگاه گالت^۳، «بدون مشارکت، تدبیرهای توسعه هم غیر مردمی و هم بی‌نتیجه خواهد بود» (گالت، ۱۹۹۵: ۱۰۱-۱۰۰). اصطلاح مشارکت را آلن بیرو^۴ به معنای «سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن» (بیرو، ۱۳۷۴: ۲۵۷) تعریف کرده است. فرنچ^۵ مشارکت را عبارت از درگیر شدن ذهنی و عاطفی یک فرد، در یک وضعیت گروهی که این درگیری او را تشویق و برانگیخته می‌کند تا به هدف‌های گروه کمک کند و خود را در مسؤلیت‌های آن گروه نیز سهیم بداند و برای به سرانجام رساندن مقصود گروه تفکر و تلاش کند، می‌داند (انصاری، ۱۳۷۵: ۱۵). همچنین، وار^۶ (۱۹۷۵) بر اساس گرایش روانشناسی اجتماعی، مشارکت را به درگیری در فعالیت و تأثیرپذیری اجتماعی تعریف کرده است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۲). از دیدگاه آلموند^۷ و پاول^۸ فعالیت‌های اجتماعی مشارکت‌جویانه‌ی^۹ ی^۹ آن دسته از فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی می‌کوشد تا از طریق آنها بر روی سیاست‌گذاری اعمال نفوذ کند (نیازی، ۱۳۸۱: ۲۸ و ۲۹، به نقل از آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۱۳۸).

-
1. Human Development Refort
 2. United Nations Development
 3. Goulet' Denis
 4. Biro, Allen
 5. French
 6. War
 7. Almond, G.A
 8. Powel, G.A.
 9. Parbicipation Activities

برخی صاحب‌نظران، در تعریف و تبیین فضای مفهومی مشارکت بر ویژگی‌های اساسی این مفهوم تأکید نموده‌اند؛ همچنان که موريس اکسلرد^۱ بیان داشته است که اصطلاح فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه برای گروه‌های خاصی به کار می‌رود؛ ورود به آنها بر پایه‌ی انتخاب افراد قرار دارد و نیز به مشارکت‌های گروهی غیر سودآور محدود می‌شود (اکسلرد، ۱۹۵۰:۱۴).

انجمن‌های داوطلبانه مهم‌ترین عرصه‌ی شکل‌گیری و سامان‌دهی فعالیت‌های اجتماعی در جامعه محسوب می‌گردند. مولیناس^۲ مداخله موفقیت‌آمیز جامعه‌ی مدنی در جریان توسعه را موجب ارتقای فعالیت اجتماعی مؤثر افراد جامعه بیان نموده است (مولیناس، ۱۹۹۸:۱۳).

هرچند یک سازمان در حوزه‌ی فعالیت خود کارآمدتر باشد بیشتر می‌تواند مشارکت و اعتماد مردم را جلب کند. علاوه بر آن، اعتماد به کارگزاران موجب رشد اعتماد به سیستم و رشد مشارکت و افزایش مشروعیت سیستم می‌شود. این سیستم می‌تواند دولت، پلیس یا هر حوزه‌ی رسمی یا غیررسمی دیگری باشد. این امر برای پلیس حائز اهمیت است که زمینه‌های مشارکت مردم را فراهم و تسهیل نماید. مشارکت مردم در حمایت و همکاری با پلیس در ابعاد مختلف، نشان از اعتماد آنان به پلیس می‌باشد. این امر که به تعبیر هاشمی (۱۳۸۳: ۲۵) کنش مشارکت‌جویانه نامیده می‌شود، هنگامی بروز می‌کند که پلیس کارآمد بوده و بتواند اعتماد مردم را جلب کند. در این صورت مردم خود را اثربخش دانسته و رفتار مشارکت‌جویانه از خود نشان خواهند داد.

پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی موضوع تحقیق و اعتماد و مشارکت شهروندان با پلیس تحقیقات متعددی صورت پذیرفته است. «مشارکت اجتماعی و مراقبت انتظامی همگانی» تحقیقی است که در شهر شیکاگو به روش آزمایشی انجام گرفته است. این پژوهش با هدف بررسی نقش مردم در مراقبت‌های پلیسی همگانی صورت گرفته است. در انجام این پژوهش دو

1. Axelrod

2. Molinas, Jose'r

ناحیه‌ی انتظامی تقریباً مشابه در شهر شیکاگو انتخاب گردید که در یک ناحیه‌ی مدل مراقبت پلیس همگانی اجرا و در ناحیه‌ی دیگر (ناحیه کنترل) این طرح اجرا نشد. بعد از گذشت ۱۲ ماه از اجرای این طرح از مردم هر ناحیه، مصاحبه‌ی تلفنی صورت گرفت و نتایج نشان داد که آگاهی از فرصت‌ها برای مشارکت تفاوت معناداری با نواحی که این طرح اجرا نشده داشته و این آگاهی از طریق میتینگ‌ها و برنامه‌های خاصی که پلیس در این ۱۲ ماه اجرا کرده بود به دست آمده بود، ولی سطوح مشارکت سازمان یافته در این نواحی تفاوت معناداری با ناحیه‌ای که این برنامه‌ها در آن اجرا نشده بود، نداشت و تغییر چندانی نکرده بود؛ حتی نتایج نشان داد که متأسفانه ایجاد این فرصت‌ها برای ارتباط غیررسمی با پلیس و مشارکت در برنامه‌ها از نظر نتیجه بیشتر تفرقه‌انگیز بوده است (اسکوگان، ۱۳۸۶: ۷۴۱-۷۲۱).

در ایران، تحقیقی با عنوان «مشارکت مردم در انجام وظایف ناجا» توسط حمید انصاریان در سال ۱۳۷۹ به سفارش معاونت اجتماعی ناجا انجام شده است. این تحقیق به روش پیمایشی و با حجم نمونه‌ی ۴۲۰ نفر از شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تهران، ۲۰۰ نفر از روستاهای اطراف تهران و ۲۱۰ نفر از پرسنل نیروی انتظامی تهران صورت گرفته است. نتایج نشان داد که میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان تابع احساس امنیت آنان، احساس رضایت از عملکرد ناجا و میزان اعتماد اجتماعی آنان می‌باشد. به عبارت دیگر، هرچه احساس امنیت مردم بیشتر، احساس رضایت آنان از عملکرد ناجا بالاتر و اعتماد اجتماعی به آن بیشتر باشد، مشارکت آنها در فعالیت‌های ناجا و همکاری با آنان نیز بیشتر می‌شود (کرامتی و ملتفت، ۱۳۸۶: ۴۱۹-۳۹۷).

با توجه به مباحث ارائه شده، سؤال اساسی این پژوهش تبیین اعتماد و منزلت اجتماعی پلیس و نگرش شهروندان در مورد نقش پلیس در حفظ تأمین امنیت و چگونگی تعامل و رابطه‌ی هر یک از متغیرهای فوق با مشارکت شهروندان با پلیس می‌باشد. بر این مبنای فرضیه‌های تحقیق در موارد زیر ارائه گردیده است:

- بین میزان اعتماد مردم به پلیس و میزان همکاری و مشارکت آنان با پلیس رابطه وجود دارد.

- بین نگرش شهروندان نسبت به منزلت پلیس در جامعه و میزان مشارکت آنان با پلیس رابطه وجود دارد.
- بین نگرش شهروندان در مورد نقش پلیس در حفظ و تأمین امنیت در جامعه و میزان مشارکت آنان با پلیس رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی^۱ بوده و اطلاعات تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه‌ی توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. در این پژوهش، برای سنجش هریک از متغیرهای اصلی پژوهش از گویه‌های مربوطه در قالب طیف لیکرت استفاده گردیده است. اعتبار و روایی گویه‌های طیف در آزمون مقدماتی و نهایی با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مورد بررسی و تأیید و پس از جمع‌آوری داده‌های تحقیق، با استفاده از برنامه‌ی کامپیوتری SPSS و فعالیت‌های آماری مربوطه، تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق صورت گرفته است.

تعریف مفاهیم

تأمین امنیت توسط پلیس: بنا بر اهمیت امنیت و تحقق آن در جوامع مختلف، هر جامعه‌ای به فراخور امکانات و شرایط خود، نهادهایی را برای تأمین و تحقق کامل امنیت در جامعه ایجاد نموده است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به سازمان انتظامی جوامع یعنی پلیس اشاره نمود. در این پژوهش، نگرش و دیدگاه شهروندان نسبت به میزان تأمین امنیت توسط پلیس با استفاده از ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج ضریب آلفای کرونباخ اعتبار و روایی گویه‌های طیف را با $(a=0.775)$ مورد تأیید قرار داده است.

منزلت اجتماعی پلیس: منزلت اجتماعی پلیس جایگاهی است که از منظر مردم یا جامعه، پلیس در میان سلسله‌مراتب اجتماعی اشغال نموده و معیار شأن یا حیثیت اجتماعی پلیس قرار می‌گیرد. در این تحقیق، برای بررسی نگرش شهروندان در ارتباط با جایگاه و منزلت

اجتماعی پلیس از ۸ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. اعتبار و روایی طیف با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی و با $(\alpha=0/872)$ مورد تأیید قرار گرفته است.

اعتماد به پلیس: اعتماد اجتماعی مفهومی است که در فرایند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماع با همدیگر تبلور می‌یابد. برقراری نظم و امنیت در جامعه بر عهده‌ی پلیس می‌باشد و تحقق این امر بدون وجود اعتماد مردم به پلیس غیر ممکن است. در این پژوهش برای بررسی میزان اعتماد شهروندان به پلیس از ۱۶ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. روایی و اعتبار گویه‌های طیف با توجه به نتایج ضریب آلفای کرونباخ $(\alpha=0/908)$ مورد تأیید قرار گرفته است.

مشارکت با پلیس: امنیت و انضباط اجتماعی حاصل برآیند تعامل و مشارکت همگانی کنشگران اجتماعی و در نتیجه یک تولید اجتماعی است که با میزان احساس مسئولیت و مشارکت اجتماعی ارتباط نزدیک دارد. در این پژوهش، برای بررسی میزان مشارکت مردم با پلیس از ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. نتایج ضریب آلفای کرونباخ با $(\alpha=0/75)$ مؤید اعتبار و روایی طیف می‌باشد.

جامعه‌ی آماری و حجم نمونه

جمعیت فعال شهرستان کاشان که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۱۰۱۸۹۶ نفر می‌باشد، جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را تشکیل داده است. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۷۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و با استفاده از روش سهمیه‌ای افراد مورد مطالعه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

یافته‌های تحقیق

در این بخش، ابتدا متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق مورد توصیف قرار گرفته و پس از آن رابطه‌ی متغیرهای مستقل با میزان اعتماد به پلیس تجزیه و تحلیل گردیده است.

الف) توصیف یافته‌ها

در این بخش، ابتدا یافته‌های تحقیق در مورد مشخصات فردی پاسخگویان و نیز نگرش آنان نسبت به تأمین امنیت توسط پلیس، منزلت اجتماعی پلیس و نیز میزان اعتماد

پاسخگویان به پلیس به عنوان متغیرهای مستقل و میزان همکاری و مشارکت با پلیس، به عنوان متغیر وابسته تحقیق ارائه و توصیف گردیده است.

۱- مشخصات فردی

یافته‌های تحقیق در ارتباط با مشخصات فردی پاسخگویان بیانگر این امر است که از مجموع ۷۰۰ پاسخگو، ۵۲/۶ درصد از آنان زن و ۴۷/۴ درصد آنان مرد می‌باشند. ۴۵/۷ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۲۵-۱۵ سال، ۳۱/۶ درصد ۲۶-۳۵ سال، ۱۲/۸ درصد در رده‌ی سنی ۴۵-۳۶ سال، ۴/۷ درصد در رده‌ی سنی ۵۵-۴۶ سال و ۱/۵ درصد نیز بالای ۵۵ سال می‌باشند؛ همچنین، ۴۲ درصد پاسخگویان مجرد و ۵۴/۶ درصد متأهل می‌باشند. شغل ۲۲ درصد کارمند و فرهنگی، ۲۵/۱ درصد محصل و دانشجو، ۶ درصد خانه‌دار، ۱۸ درصد آزاد، ۱/۱ درصد دکتر و مهندس و ۴/۹ درصد از پاسخگویان کارگرساختمانی و کشاورز می‌باشد. علاوه بر آن، سطح تحصیلات ۱۷/۷ درصد از پاسخگویان کمتر از دیپلم، ۲۶/۶ درصد دیپلم و ۱۲/۶ درصد فوق دیپلم، ۳۲/۹ درصد لیسانس و ۸ درصد فوق لیسانس و بالاتر می‌باشد.

۲- تأمین امنیت توسط پلیس

یافته‌های جدول زیر بیانگر نگرش شهروندان نسبت به میزان تأمین و حفظ امنیت توسط پلیس می‌باشد.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی نگرش پاسخگویان نسبت به تأمین امنیت توسط پلیس

موارد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۶۲	۸/۹	۸/۹
متوسط	۴۰۲	۵۷/۴	۶۶/۵
زیاد	۲۳۶	۳۳/۷	۱۰۰
جمع	۷۰۰	۱۰۰	

بر اساس یافته‌های جدول فوق، ۸/۹ درصد از پاسخگویان تأمین و حفظ امنیت توسط پلیس را در حد کم، ۵۷/۴ درصد در حد متوسط و ۳۳/۷ درصد در حد زیاد ارزیابی نموده‌اند.

۳- منزلت اجتماعی پلیس

در جدول شماره ۲، نگرش شهروندان نسبت به منزلت اجتماعی پلیس ارائه گردیده است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی منزلت اجتماعی پلیس در نظر شهروندان

موارد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
پایین	۶۶	۹/۴	۹/۴
متوسط	۳۵۰	۵۰/۰	۶۰/۳
بالا	۲۷۴	۳۹/۱	۱۰۰
بی پاسخ	۱۰	۱/۵	
جمع	۷۰۰	۱۰۰/۰	

یافته‌های جدول فوق بیانگر این امر است که منزلت اجتماعی پلیس از منظر ۹/۴ درصد از شهروندان در حد پایین، ۵۰ درصد در حد متوسط و ۳۹/۱ درصد در حد بالا می‌باشد. با توجه به موارد فوق، پلیس از جایگاه و منزلت نسبتاً بالایی در جامعه برخوردار می‌باشد.

۴- اعتماد به پلیس

در جدول شماره ۳، میزان اعتماد شهروندان به پلیس نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی میزان اعتماد شهروندان به پلیس

موارد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۱۰۲	۱۴/۶	۱۴/۶
متوسط	۳۸۴	۵۴/۹	۶۹/۴
زیاد	۲۱۴	۳۰/۶	۱۰۰
جمع	۷۰۰	۱۰۰	

یافته‌های جدول بالا حاکی از این امر است که میزان اعتماد ۱۴/۶ درصد از پاسخگویان به پلیس در حد کم، ۵۴/۹ درصد در حد متوسط و ۳۰/۶ درصد در حد زیاد می‌باشد.

۵- مشارکت با پلیس

در این تحقیق میزان مشارکت شهروندان با پلیس به عنوان متغیر وابسته‌ی تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول زیر میزان مشارکت شهروندان با پلیس نشان داده شده است.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی میزان مشارکت شهروندان با پلیس

موارد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۲۲۸	۳۲/۶	۳۳/۰
متوسط	۳۴۴	۴۹/۱	۸۱/۷
زیاد	۱۲۸	۱۸/۳	۱۰۰
جمع	۷۰۰	۱۰۰	

یافته‌های جدول بالا نشان می‌دهد میزان مشارکت ۳۲/۶ درصد از شهروندان با پلیس در حد کم، ۴۹/۱ درصد در حد متوسط و ۱۸/۳ درصد در حد زیاد می‌باشد.

ب) تحلیل داده‌ها

در این بخش، ابتدا فرضیه‌های تحقیق شامل رابطه‌ی نگرش شهروندان نسبت به حفظ تأمین امنیت توسط پلیس، نگرش نسبت به جایگاه و منزلت پلیس و همچنین میزان اعتماد شهروندان به پلیس با میزان مشارکت آنان با پلیس مورد بررسی قرار گرفته است و پس از آن به منظور تبیین مجموعه عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان با پلیس از رگرسیون استفاده شده است.

۱- آزمون فرضیه‌ها

در این بخش رابطه‌ی بین هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق (نگرش شهروندان نسبت به تأمین و حفظ امنیت توسط پلیس و نگرش آنان نسبت به جایگاه و منزلت پلیس و همچنین، میزان اعتماد شهروندان به پلیس) با متغیر وابسته پژوهش یعنی میزان مشارکت شهروندان با پلیس مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول شماره ۵ یافته‌های تحقیق درباره‌ی رابطه‌ی هر یک از متغیرهای مستقل با میزان مشارکت با پلیس ارائه شده است. جدول شماره ۵: رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی، منزلت و نگرش به پلیس و میزان مشارکت شهروندان

با پلیس

آماره پیرسون	میزان مشارکت با پلیس				متغیرهای مستقل	
	جمع	زیاد	متوسط	کم		
$r=0/714$ $Sig=0/000$	۱۰۰	۰	۷/۱	۴۰/۲	پایین	نگرش نسبت به نقش پلیس در حفظ امنیت
	۱۰۰	۵/۰	۵۴/۸	۶/۸	متوسط	
	۱۰۰	۴۱/۵	۵۱/۷	۹۲/۹	زیاد	
	۱۰۰	۱۷/۱	۴۹/۹	۳۳	جمع	
$r=0/649$ $Sig=0/000$	۱۰۰	۰	۱۲/۱	۸۷/۹	پایین	منزلت اجتماعی پلیس
	۱۰۰	۹/۱	۵۰/۹	۴۰/۰	متوسط	
	۱۰۰	۳۱/۴	۵۷/۷	۱۰/۹	زیاد	
	۱۰۰	۱۷/۱	۴۹/۹	۳۳/۰	جمع	
$r=0/703$ $Sig=0/000$	۱۰۰	۲/۱	۱۸/۸	۷۹/۲	کم	اعتماد به پلیس
	۱۰۰	۸/۴	۵۴/۷	۳۶/۸	متوسط	
	۱۰۰	۳۹/۳	۵۵/۱	۵/۶	زیاد	
	۱۰۰	۱۷/۱	۴۹/۹	۳۳/۰	جمع	

یافته‌های تحقیق در جدول شماره ۵ درباره‌ی رابطه‌ی نگرش شهروندان نسبت به نقش پلیس در حفظ امنیت و میزان مشارکت آنان با پلیس بیانگر این امر است که ۹۲/۹ درصد پاسخگویانی که نقش پلیس در تأمین امنیت را ضعیف ارزیابی نموده‌اند با پلیس مشارکت نداشته و یا مشارکت در حد کم داشته و هیچ یک از آنان با پلیس مشارکت جدی نداشته‌اند. متقابلاً، افرادی که عملکرد پلیس در حفظ و تأمین امنیت را خوب و قوی ارزیابی نموده‌اند ۴۱/۵ درصد نیز مشارکت مناسب و در حد زیادی با پلیس داشته‌اند. نتایج فعالیت آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ($r=0/714$ و $sig=0/000$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه مثبت و معنادار بین دو متغیر فوق را مورد تأیید قرار داده است.

همچنین، یافته‌های تحقیق درباره‌ی رابطه‌ی بین منزلت اجتماعی پلیس و میزان همکاری و مشارکت با پلیس نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویانی که منزلت اجتماعی پلیس را در

حد پایین ارزیابی نموده‌اند، با پلیس مشارکت و همکاری نداشته و یا همکاری کمی داشته‌اند (۸۷/۹ درصد). میزان همکاری و مشارکت در حد متوسط و بالا با پلیس در بین افرادی که منزلت پلیس را خوب و در سطح بالا ارزیابی نموده‌اند، به ترتیب به میزان ۵۷/۷ و ۳۱/۴ درصد بوده است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون ($r=0/649$) و ($sig=0/000$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی مثبت و معنادار بین دو متغیر فوق را تأیید می‌نماید. علاوه بر آن یافته‌های پژوهش درباره‌ی رابطه‌ی اعتماد به پلیس و مشارکت و همکاری با پلیس بیانگر این امر است که میزان همکاری با پلیس در حد مناسب و زیاد در بین افرادی که اعتماد کمی به پلیس داشته‌اند تنها به میزان ۲/۱ درصد بوده است. با افزایش میزان اعتماد به پلیس بر میزان همکاری و مشارکت آنان با پلیس افزوده شده است، به گونه‌ای که این میزان در بین افراد با اعتماد زیاد به پلیس به حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است. نتایج فعالیت آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ($r=0/703$ و $sig=0/000$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد، رابطه‌ی مثبت و معنادار دو متغیر بالا را مورد تأیید قرار داده است.

۲- تجزیه و تحلیل چند متغیره

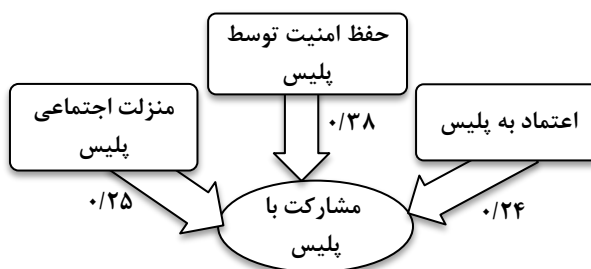
در این بخش، از رگرسیون چندگانه به منظور تبیین مجموعه عوامل استفاده شده است. رگرسیون چندگانه روشی آماری است که در آن حضور متغیرها در تبیین متغیر وابسته در کنار هم سنجیده می‌شود. برای رسیدن به چنین هدفی از روش رگرسیونی گام به گام^۱ استفاده گردیده است. در انجام تحلیل رگرسیون چندمتغیره در این تحقیق، در مجموع، ۳ متغیر: نگرش شهروندان نسبت به حفظ و تأمین امنیت توسط پلیس، نگرش نسبت به جایگاه و منزلت پلیس و همچنین، میزان اعتماد شهروندان به پلیس وارد معادله گردیدند. ۳ متغیر وارد شده در معادله، در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار تشخیص داده شده و در معادله باقی مانده‌اند. نتایج مربوط به رگرسیون عوامل مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان با پلیس با روش گام به گام در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره ۶: ضرایب متغیرهای مستقل در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

Sig.	t	ضرایب استاندارد	ضرایب خام		متغیر
		Beta	Std. Error	B	
۰/۰۰۰	۱۱/۴۱۵		۱/۵۹۳	۱۸/۱۸۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۷/۲۸۹	۰/۳۸۱	۰/۰۴۴	۰/۳۱۹	حفظ امنیت
۰/۰۰۰	۵/۲۰۹	۰/۲۵۱	۰/۰۷۰	۰/۳۶۴	منزلت پلیس
۰/۰۰۰	۴/۱۶۱	۰/۲۴۲	۰/۰۴۷	۰/۱۹۴	اعتماد به پلیس
F=۱۷۳.۹۸۹		P=۰/۰۰۰		R ² =۰/۶۰۱	

بر اساس جدول بالا سه متغیر تأثیرگذار در شکل رگرسیونی باقی مانده‌اند، به طوری که ضریب تبیین خالص آن برابر ۶۰ درصد می‌باشد. همچنین شکل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده در جدول فوق خطی است؛ زیرا مقدار آزمون F، برای تعیین معناداری اثر متغیرهای مستقل بر میزان مشارکت با پلیس برابر ۱۷۳/۹۸۹ با سطح معنی‌داری $P=۰/۰۰۰$ می‌باشد.

در مجموع بر اساس اطلاعات جدول فوق و با توجه به بتای استاندارد شده، اثر نگرش به حفظ امنیت توسط پلیس ۳۸ درصد، نگرش به منزلت اجتماعی پلیس ۲۵ درصد و اعتماد به پلیس ۲۴ درصد می‌باشد. بر این مبنا مدل عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان با پلیس عبارتند از:



نمودار شماره ۱: عوامل رگرسیونی مؤثر بر مشارکت با پلیس

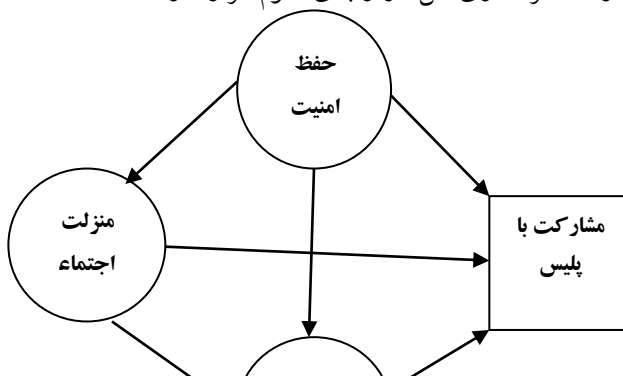
تحلیل مسیر از جمله تکنیک‌های چند متغیره می‌باشد که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، اثرات غیر مستقیم این متغیرها را نیز مدنظر قرار داده و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود، در تحلیل وارد می‌کند. این روش بر استفاده‌ی ابتکاری از نمودار تصویری که به دیاگرام مسیر معروف است، تأکید خاص دارد (کلانتری، ۱۳۸۲: ۲۲۳ و ۲۲۴). به عبارت دیگر، برای بیان چگونگی آرایش متغیرها در مدل و بیان اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای وارد شده در مدل بر روی متغیر وابسته‌ی تحقیق، از تحلیل مسیر استفاده می‌گردد (نیازی، ۱۳۸۱: ۱۳۵ و ۱۳۶). در جدول زیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تحقیق نشان داده شده است.

جدول شماره ۷: محاسبه‌ی اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل تحقیق بر مشارکت

شهروندان با پلیس

کل	ضرایب اثر		نام متغیر
	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	
۰.۸۰	۰.۴۲	۰.۳۸	حفظ امنیت توسط پلیس
۰.۴۱	۰.۱۶	۰.۲۵	منزلت اجتماعی پلیس
۰.۲۴	-	۰.۲۴	اعتماد به پلیس

بر اساس جدول شماره ۷ به طور کلی تأثیر کلیه‌ی متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق مثبت می‌باشد. از طرف دیگر هرکدام از آنها اثر مستقیم و غیر مستقیم بر متغیر وابسته دارند. دقت در جدول بالا نشان می‌دهد که متغیر نگرش به حفظ و تأمین امنیت توسط پلیس با ۸۰ درصد اثرگذاری کل، دارای بیشترین تأثیر مثبت بر مشارکت شهروندان با پلیس می‌باشد؛ به طوری که این متغیر دارای ۳۸ درصد اثر مستقیم و ۴۲ درصد اثر غیرمستقیم می‌باشد. متغیر منزلت اجتماعی پلیس با ۲۵ درصد اثر مستقیم و ۱۶ درصد اثر غیرمستقیم (۴۱ درصد اثرگذاری کل) در رتبه‌ی دوم و متغیر اعتماد شهروندان به پلیس با ۲۴ درصد اثرگذاری کل در رتبه‌ی سوم قرار دارد.



۰/۶۰

۰/۳۸

۰/۲۵

۰/۷۵

۰/۶۹

۰/۲۴

نمودار شماره ۲: دیاگرام تحلیل مسیر

همانگونه که نمودار بالا نشان می‌دهد، مشارکت با پلیس به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای دیگر در سمت چپ نمودار، متغیرهای مستقل می‌باشند. تحلیل مسیر بالا، نوع اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، جهت و شدت آنها را تعیین می‌کند. لازم به توضیح است که میزان ضریب تبیینی مدل بالا برابر با $(R^2 = ۰/۶۰)$ است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق و نتایج فعالیت‌های آماری مربوط وجود رابطه و همبستگی معنادار بین هریک از متغیرهای نگرش نسبت به نقش پلیس در حفظ و تأمین امنیت، منزلت اجتماعی پلیس در جامعه و اعتماد شهروندان به پلیس و میزان مشارکت با پلیس را مورد تأیید قرار داده است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون در مورد رابطه‌ی متغیرهای فوق با میزان مشارکت با پلیس به ترتیب به میزان $۰/۷۱۴$ ، ۶۴۹ و $۰/۷۰۳$ می‌باشد. همچنین، نتایج رگرسیون چندگانه در مورد رابطه‌ی بین متغیرهای تحقیق، اثرات هر یک از متغیرهای فوق بر میزان مشارکت شهروندان با پلیس را به میزان ۳۸ ، ۲۵ و ۲۴ درصد نشان می‌دهد. در مجموع، نتایج پژوهش با دیدگاه‌های صاحب‌نظران و نتایج پژوهشی محققان در این رابطه قرابت و همخوانی دارد. از دیدگاه کلمن (۱۳۷۷) رصد کردن دائم وضعیت اعتماد به پلیس و نگرش مردم نسبت به پلیس و نقش آن در حفظ و تأمین امنیت در جامعه از ضرورت‌های سازمانی پلیس محسوب می‌گردد. مارکوس و ودالتون

(۲۰۰۲) بر مشارکت مردمی تأکید نموده و افزایش هنجارهای اعتماد اجتماعی را در زمینه‌های اصلی آن بیان نموده است. هس و میلر (۱۳۸۲) با بیان دوره‌های مشخص عملکرد پلیس در تأمین امنیت، شاخص اساسی دوره‌ی جدید را مشارکت پلیس با جامعه دانسته و بر افزایش مشارکت جامعه با پلیس و تعامل پلیس با شهروندان تأکید نموده است.

شایگان (۱۳۷۸) تأمین امنیت مردم توسط پلیس را بدون همکاری و مشارکت‌های مردمی غیر ممکن دانسته و جلب اعتماد مردم به پلیس را شرط ضروری مشارکت آنان با پلیس قلمداد نموده است. عبدی و همکاران (۱۳۸۲) ضمن تأکید بر نقش پلیس در تولید امنیت، بر نقش اعتماد مردم در موفقیت عملکرد پلیس تأکید نموده است. همچنین، هاشمی (۱۳۸۳) اعتماد مردم به پلیس را از زمینه‌های اساسی کنش مشارکت‌جویانه و همکاری با پلیس قلمداد نموده است. علاوه بر آن، توجه به منزلت اجتماعی پلیس و نقش آن در موفقیت عملکرد پلیس مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است (علیزاده و رضایی، ۱۳۸۴). همچنان که شهبان (۱۹۹۴) بیان نموده است منزلت و اعتبار پلیس در ذهن مردم ناشی از اعمال و ظاهر پلیس است. علاوه بر موارد فوق، نتایج پژوهش کرامتی و ملتفت (۱۳۸۶) رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی شهروندان به پلیس، احساس رضایت از عملکرد ناجا و احساس امنیت با مشارکت آنان در فعالیت‌های ناجا را مورد تأکید قرار داده است.

با توجه به نتایج تحقیق، جلب مشارکت و همکاری شهروندان با پلیس به عنوان راهبرد اساسی تأمین امنیت در جامعه پیشنهاد می‌گردد. در این میان، شناسایی وضعیت اعتماد مردم به پلیس به عنوان یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های موفقیت پلیس از ضروریات سازمانی پلیس محسوب می‌گردد.

علاوه بر موارد بالا، آگاهی هر چه بیشتر شهروندان از فعالیت‌ها و حساسیت عملکرد پلیس از زمینه‌های ارتقای نگرش مثبت نسبت به پلیس و افزایش مشارکت آنان با پلیس می‌باشد. همچنین، از آنجا که محبوبیت پلیس در بین مردم مستلزم موفقیت پلیس در تأمین امنیت و اعتماد سازی در مردم است، پس برنامه‌ریزی و تلاش در جهت تحقق هر

چه مطلوب‌تر این امر از اهمیت خاصی برخوردار است.

از سوی دیگر، از آنجا که تأمین هر چه بیشتر امنیت در جامعه در گرو سازگاری با فعالیت نهادهای اجتماعی از جمله خانواده است، بسترسازی در جهت جلب حمایت‌ها و مشارکت‌های مردمی با پلیس از نکات ضروری می‌باشد. در این ارتباط، تلاش سازمان در جهت ارتقاء وجهه و اعتبار پلیس در جامعه و ارائه‌ی شخصیتی والا و قابل احترام در جامعه موجبات همکاری هر چه بیشتر مردم با پلیس را فراهم می‌آورد.

منابع

- آتال، یوکش؛ اوین، الس. (۱۳۷۹). درگیر ساختن مردم فقیر، پرسش‌های فراوان، در: فقر و مشارکت در جامعه‌ی مدنی، ترجمه‌ی ایرج پاد، تهران: انتشارات سروش.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۷۲). عوامل مؤثر در موفقیت بیشتر مشارکت مردم در توسعه، **مجله فرهنگ توسعه**، شماره ۱۰، سال دوم، تهران: چاپ شقایق.
- اسکوگان، وسلی. جی. (۱۳۸۶). مشارکت اجتماعی و مراقبت انتظامی همگانی، ترجمه ابراهیم مسعودنیا، در کتاب سال امنیت اجتماعی، تهران: نشر آشنایی.
- انصاری، محمد اسماعیل. (۱۳۷۵). «بازشناسی و پیش نیازهای مدیریت مشارکتی در نظام اجرایی»، **مجله مدیریت دولتی**، شماره ۴۴-۴۳.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۴). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- تاجران، عزیزالله؛ کلاکی، حسن. (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی»، **فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی**، سال چهارم، شماره‌ی چهارم.
- تاملین، ملوین. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، نظری و کاربردی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر توتیا.
- حسینیان، شهامت؛ فهیمی، علی. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر منزلت اجتماعی پلیس راهنمایی و رانندگی»، **فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک**، سال چهارم، شماره سیزدهم.
- زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۴). اعتماد، یک نظریه‌ی جامعه‌شناختی، ترجمه فاطمه گللابی، تهران: نشر مترجم.
- زیاری، کرامت‌اله، عیوضلو، داوود؛ عیوضلو، محمود؛ جهانبخش، ریکا. (۱۳۹۲). «تحلیل تطبیقی احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی؛ مطالعه موردی شهرستان کوهدشت»،

پژوهش‌های روستایی، سال چهارم، شماره یکم.

- شایگان، فریبا. (۱۳۸۷). «بررسی میزان اعتماد مردم به پلیس؛ مطالعه موردی شهر تهران»،

فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم.

- شریعتی، سعید. (۱۳۸۴). بررسی احساس امنیت عمومی در استان خراسان، پژوهشکده اقبال، جهاد دانشگاهی مشهد.

- عبدی، توحید. (۱۳۸۲). «میزگرد پلیس مطلوب»، **دو ماهنامه نشریه علوم انتظامی**، شماره‌ی

۲۰.

- عبدی، توحید؛ صارمی، نوذرامین؛ ساعدی، علی محمد. (۱۳۸۷). «تأثیر اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی بر اعتماد مردم به پلیس در محدوده‌ی مرکزی کرج»، **فصلنامه مطالعات مدیریت**

انتظامی، سال سوم، شماره سوم.

- عظیمی آرانی، حسین. (۱۳۷۳). مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: نشر نی.

- علیزاده، ابراهیم؛ رضایی، علی محمد. (۱۳۸۴). بررسی منزلت اجتماعی پلیس و تعیین عوامل مؤثر بر آن، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات آموزش نیروی انسانی ناجا.

- کامران، فریدون؛ احمدیان، اسلام. (۱۳۸۸). «بررسی میزان اعتماد اجتماعی مردم به پلیس و عوامل مرتبط با آن در استان ایلام»، **فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی**، سال دوم، شماره چهارم.

- کرامتی، مهدی؛ ملتفت، حسین. (۱۳۸۶). کتاب سال امنیت اجتماعی، تهران: نشر آشنایی.

- کلاکی، حسن؛ دوستدار، رضا. (۱۳۸۸). «بررسی منزلت شغلی و اجتماعی پلیس ایران و عوامل مؤثر بر آن»، **فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی**، سال چهارم، شماره دوم.

- کلاتری، خلیل. (۱۳۸۲). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم‌افزار SPSS، تهران: نشر شریف.

- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه‌ی اجتماعی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- ملک، حسن. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

- نورپور، ف. (۱۳۸۵). بررسی میزان اعتماد جوانان بین ۲۰-۳۰ سال شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رودهن.

- نیازی، محسن. (۱۳۸۱). تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهرستان کاشان، پایان‌نامه دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.

- هاشمی، سیدضیاء. (۱۳۸۳). پلیس و اعتماد اجتماعی، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا.
- هس، کارن؛ میلر، لیندا. (۱۳۸۲). پلیس در اجتماع: راهبردهایی برای قرن بیست و یکم، ترجمه محمدرضا کلهر، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا، معاونت پژوهشی، اداره‌ی چاپ و نشر.
- Axelord, Mory (1950), urban structure and social participation, American sociological Review. Vol 21. Issuel, pp 13-18.
- Gerda, R., Wekerle and Carolyn Whitzman. (1998), Safe Cities, Guidelines for Planning, Design, and Management, New York
- Goult, Denis (1995), Development Ethics a Guid of theory and practice, Landan, Ned books.
- Markus, B & Walton, Hanes (2002), “civic participation in American cities”, ([www.google. Com](http://www.google.com))0
- Molinas, Jose R (1998), the impact of inequality, gender, external assisnsnse and social capital on local- level cooperation, Word development, Vol 26, no 3, 413-431.
- Pilant, Lois. (1992). Enhancing the patrol image. The Police Chief, 59 (8), 37-38, 58-61. Retrieved, from <http://www.ncjrs.gov/App/Publications/abstract.aspx?ID=138475>.
- Sheehan, Kathy. (1994). Image Projection. Law and Order

